

## «بررسی وضعیت علوم کشاورزی در کشور برای جهت‌گیری آینده - بخش دوم»، (دکتر نصرالله سفیدبخت)

اهم مسائل و مشکلات کشاورزی و منابع طبیعی به شرح ذیل است:

- کم‌توجهی به جایگاه واقعی کشاورزی و منابع طبیعی در برنامه توسعه پایدار کشور و در نتیجه عدم توجه کافی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به ارزش واقعی این بخش از نظر اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و امنیت غذایی، موجب تنزل جایگاه بخش کشاورزی شده است.
- محدودیت آشکار و پنهان منابع پایه تولید کشاورزی به‌ویژه آب، خاک حاصلخیز بدون آلودگی، مرتع و جنگل.
- نبود برنامه‌ریزی هدفمند و جامع‌نگرانه توسط کارشناسان و دانشمندان متخصص، در نتیجه موجب شیوع بخش - محوری و کوتاه‌بینی در برنامه‌ریزی‌ها شده است.
- رقابت شدید در توسعه کمی به جای کیفی بین مؤسسات ارائه‌کننده آموزش عالی کشاورزی بدون در نظر گرفتن مسئله اشتغال دانش‌آموختگان، در حال حاضر منجر به ناکافی بودن بودجه سرانه و کاهش کیفیت آموزش عالی گردیده است. ادامه این وضع در آینده بحران‌های اجتماعی-فرهنگی را در پی خواهد داشت.
- برای پیدا کردن راه حل بخشی از این مشکلات از دیدگاه علمی، وضعیت علوم کشاورزی و منابع طبیعی، یک پژوهش کیفی توسط شش کارگروه از خبرنگاران گروه علوم کشاورزی و منابع طبیعی فرهنگستان علوم و دیگر صاحب‌نظران انجام شد. نتایج کارشناسی کارگروه‌ها به شرح زیر خلاصه شده است:

### الف: آینده‌نگری علم و فناوری در کشاورزی

- (۱) روند تولیدات علمی در قالب مقاله‌های علمی-پژوهشی از لحاظ کمی بسیار بالا است، ولی تبدیل این یافته‌ها به فناوری‌های کاربردی و مؤثر در افزایش محصولات کشاورزی و ثروت در کشور حتی کیفیت علمی مقاله‌ها مورد سؤال است.
- (۲) بودجه پژوهشی ناکافی است و به طور شفاف در اعتبارات دستگاه‌ها و به ویژه دانشگاه‌ها تعریف نشده است. ضرورت دارد که سازمان‌های ذیربط، حسب قانون، اعتبارات لازم را به این امر تخصیص دهند.
- (۳) طرح‌های جامع کلان و طولانی مدت کشاورزی با شرکت بخش‌ها و تخصص‌های مختلف توسط دستگاه‌های اجرایی یا مؤسسات دیگر تعریف و تأمین اعتبار نمی‌شود و اغلب پروژه‌های تحقیقاتی با هدف بازده سریع (تولید مقاله) و بدون توجه به مسائل گوناگون کشاورزی صورت می‌گیرد.
- (۴) انجمن‌های علمی گروه کشاورزی و منابع طبیعی باید نقش فعال‌تری در تولید و توسعه علمی کشور ایفا نمایند.

### ب: وضعیت دروس و برنامه‌های آموزشی

- (۱) با توجه به تحول علوم و شرایط اقتصادی-اجتماعی، لازم است حداقل هر پنج سال یکبار برنامه‌های آموزشی مورد بازنگری قرار گرفته و به روز شوند، به بخش عملی درس‌ها اهمیت بیشتری داده شود و با تجهیز امکانات آزمایشگاهی و صحرایی و بهره‌گیری از امکانات سایر نهادها، دانش‌آموختگان کشاورزی علم را با عمل بیاموزند. در ضمن لازم است دانشگاه‌های پرتجربه در تنظیم برنامه‌های آموزشی و محتوای دروس بسته به شرایط محیط و امکانات خود استقلال عمل داشته باشند.
- (۲) از بین شایستگی‌های مورد نیاز هر دانش‌آموخته باید افزون بر شایستگی علمی، ویژگی‌های شخصیتی مانند تعهد اخلاقی، توانایی برقراری ارتباط با کشاورزان، روستائیان و بخش خصوصی کشاورزی، توانایی شناخت کلی از وضعیت زیرساخت‌های منطقه محل فعالیت و شناخت کلی از وضعیت نیروی انسانی منطقه و توانایی آنها در آموزش به کشاورزان مورد تأکید بیشتری قرار گیرد.
- (۳) دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی از بین داوطلبان بانگیزه و علاقمند به این حرفه و با رعایت نسبت جنسیتی و توانمندی‌های کار در مزرعه و روستا انتخاب شوند.

۴) دوره کارشناسی رشته‌ها به صورت جامع تعریف و ارائه شود. و از خرد کردن آنها به رشته‌های فرعی خودداری و برای انجام کارهای عملی سرمایه‌گذاری شود.

### ج: جذب فارغ‌التحصیلان کشاورزی (اشتغال و کارآیی بیرونی)

۱) عواملی مانند داشتن اعتماد به نفس، خلاقیت، برخورداری از مهارت‌های تصمیم‌گیری، داشتن تجربه عملی در رشته تخصصی و برخورداری از بینش عمومی و دانش کشاورزی می‌بایست از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی باشند. بنابراین در برنامه‌های آموزشی و پرورشی دانشگاه‌ها باید به طور مشخص محتوا و فعالیت‌های تعریف شده‌ای برای ارائه آنها به دانشجویان گنجانده شود.

۲) عدم اشتغال نیز به عواملی چون بی‌انگیزگی دانشجویان در کسب مهارت‌های عملی، روحیه مدرک‌گرایی، ضعف زیرساخت‌ها، امکانات محدود برای ارائه دروس عملی، ضعف در تدریس دروس عملی، انتظارات غیرواقعی دانشجویان، و نبود حمایت از توسعه خلاقیت در دانشجویان بستگی دارد که ضرورت دارد در نهادهای فرهنگ کار و خدمت در جامعه، برنامه‌های مناسبی طراحی و اجرا شود، و از سوی دیگر دستگاه‌های اجرایی برنامه‌های اشتغالزایی واقعی و موثر را دنبال نمایند.

۳) در مسئله اشتغال فارغ‌التحصیلان، لازم است ایجاد تعادل و هماهنگی میان عرضه و تقاضا (تعداد فارغ‌التحصیلان و میزان نیاز به آنها) مورد توجه قرار گیرد.

### د: ارتباط بهینه دانشگاه با بخش اجرایی کشاورزی

۱) برقراری ارتباط دانشگاه با بخش اجرایی و تولیدی کشاورزی در شرح وظایف دانشگاه‌ها و سازمان‌های اجرایی نیامده است و ضرورت دارد با مصوبه‌ای قانونی سازمان‌های اجرایی و دانشگاه‌ها را پاسخگو به این امر نمود.

۲) مشارکت دانشگاه‌ها در برنامه‌ریزی‌های توسعه کشاورزی و همکاری در برنامه‌های ترویجی موجب تقویت ارتباط بهینه مذکور خواهد شد و مورد تأکید است.

۳) توصیه می‌شود دانشگاه‌ها و سازمان‌های اجرایی در منطقه خود با ادارات محلی جلسات هماهنگی و مذاکره برگزار و نسبت به چگونگی حفظ و ارتقاء ارتباط موثر برنامه‌ریزی نموده و مصوبات خود را اجرایی کنند.

۴) برای نیازسنجی کشاورزی در هر گروه آموزشی باید پرسنل آزموده ترویج مربوط به آن گروه وجود داشته باشد.

### ه- هرم مناسب فارغ‌التحصیلان کشاورزی

۱) تعداد دانش‌آموختگان کشاورزی در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری از نظم و هدف مشخص تبعیت نمی‌کند، توسعه رشته‌ها و دوره‌ها هیچگونه ارتباط منطقی با نیاز جامعه و بازار کار ندارد.

۲) در برخی از رشته‌ها دانش‌آموختگان مقطع کاردانی وجود ندارد، در حالی که روند پذیرش دانشجو برای دوره‌های عالی (کارشناسی ارشد و دکتری) در آن رشته‌ها به شدت رو به افزایش است و با هرم مطلوب و منطقی فاصله زیاد دارد.

۳) ضروری است با یک مطالعه جامع و براساس نیازهای واقعی جامعه، دوره‌ها و مقاطع تحصیلی به تفکیک رشته‌های کشاورزی مشخص و مسئولیت‌های آموزشی مؤسسات دولتی، پیام نور، آزاد و غیرانتفاعی تعیین شود.

### و: آسیب‌شناسی و عمده نظام آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی

چالش‌های متنوعی پیش‌روی نظام آموزش عالی کشاورزی است که به پنج شاخص (انسانی، کارکردی-فرآیندی، فیزیکی-مالی، ساختاری و عملکردی) گروه‌بندی می‌شوند.

۱) در شاخص انسانی برنامه جذب و گزینش استاد متعهد و شایسته و تناسب بین عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص در رشته‌های کشاورزی در بازار کار از مهمترین چالش‌های مطرح می‌باشد.

۲) از جمله چالش‌های دیگر، عدم اشتغال دانش‌آموختگان به ویژه در بخش تولید است، که ریشه‌یابی‌ها گویای ضعف بنیه مالی آنان، نبود انگیزه، ضعف رونق اقتصادی بخش کشاورزی و متناسب نبودن آموزش‌های مهارتی برای بازار کار می‌باشد.

۳) توصیه‌هایی که برای پاسخگویی به چالش‌های مذکور مطرح شده است عبارتند از:

- انجام ارزیابی درونی در دانشگاه‌ها و اجرای اصلاحات براساس نتایج حاصل.
  - توسعه فرهنگ کار و خدمت در جامعه به جای مدرک‌گرایی.
  - توجه بیشتر نظام آموزش عالی کشاورزی بر کیفیت به جای کمیت.
  - ساماندهی نظام تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی کشور (بومی کردن و کاربردی کردن تحقیقات، ارتباط بیشتر علم و عمل، تجهیز و تأمین امکانات پژوهشی و غیره)
  - ایجاد سازوکارهای مناسب اشتغال فارغ‌التحصیلان و یا تقویت تشکلهای خصوصی موجود که بستر اشتغال را فراهم می‌کنند.
- ۴) لازمه سازماندهی به این مشکلات و برنامه‌ریزی در جهت توسعه پایدار کشور، تأسیس و فعال کردن موسسه‌ای مستقل برای انجام مطالعات راهبردی و سمت‌دهی به آینده پژوهشی به ویژه نقد، رصد، ارزیابی و ارائه طریق در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی کشاورزی است که به شدت مورد نیاز و تأکید است.